

نکاتی چند پیرامون فاصله افتادن بین مصاحبه ها و مسائل و چشم انداز پیش رو

هم میهنان عزیز، دوستان گرامی

باسلام و درود

۱- آقای سعید بهبهانی گرامی در آغاز مصاحبه هفته گذشته با تلویزیون میهن تی وی گفتند: «دلیل مشکلاتی که برای من بعنوان پناهنده و شرایط کمپ وجود دارد، همچنین هزینه های مالی که محدود به حقوق پناهندگی هستم، مصاحبه ها حداقل به ماهی یکبار محدود می شود». من هم چند دقیقه پیش از مصاحبه، از چنین امری با خبر شدم. این تصمیم با خود آقای سعید بهبهانی گرامی بود، کما اینکه هر تلویزیونی حق دارد، متناسب با خواست و نیازها، برنامه های خود را به نمایش بگذارد.

اما پس از این برنامه با تماس هایی مواجه شدم که دوستان و عزیزان شرافتمند نه تنها خواهان پرداخت هزینه مالی برای ادامه مصاحبه ها و بلکه تأمین نیازها و امکانات شخصی ... شده، و دچار سوال و ابهام شده بودند.

کما اینکه حتی پیش از مصاحبه با میهن تی وی، بمدت دوماه بر اساس روشنگری ها در نور ویدئویی که تابستان سال ۹۴ در آلبانی ضبط شده، در یوتیوب گذاشته شده بود و آنچه در «سایت حقیقت مانا» منتشر شد. دوستان بسیاری خواهان کمک مالی، پزشکی و کمک های حقوقی و گرفتن وکیل برای پناهندگی و خانه و امکانات ارتباطی و تأمین آسایش و حتی نیازهای شخصی... شدند. به دوستان هم گفتم: «آنچه من نیاز داشتم قلب شما بود.» تا جاییکه بتوانم، و تحت هر شرایطی...، اگر بتوانم خودم با همین شرایط کارکنم، دریافت و لویک ریال هم، من رافاسد خواهد کرد. برای اینکه بتوانم با قدرت درونی قوی صحبت کنم. باید پاک بمانم! از تمامی حمایت، همیاری و کمک های شما سپاسگذارم. اما اگر روزی این صدا بدلیل مشکل مالی خاموش شود، بسیاری از دوستان شرافتمندی هستند که بیش از آنچه انتظار است خواهان کمک شده اند، من از پذیرش آن با افتخار تمام دریغ نخواهم کرد. کما اینکه دوست عزیزی برای پذیرش پول چنین استدلال می کرد: «ما هم با هم هستیم. الان در صحنه توجلیوی قرار داری. و تو صدای ما هستی، ما هم می خواهیم شریک در این صدا شویم. ما یک تن هستیم نه چیز دیگر».

۲- برای مصاحبه تلویزیونی، رساندن صدا، و بیان حقیقت، تا جاییکه به شخص من برمی گردد، هیچ مانعی برای ادامه مصاحبه وجود ندارد، و تاکنون هم برای چنین امری، متکی به حقوق پناهندگی خود بودم. همچنانکه در سال ۶۷ و پس از آزادی از زندان، طبق آنچه سازمان گفته بود و در زندان اطلاع داشتیم؛ در خیابان به مردم می گفتم: «من مجاهد، تازه از زندان آزاد شدم، چند تومان با خمینی مخالف هستید، من فقط جانم را دارم، و دست رادرازی کردم بطرف آنها...»، می خواهم همان شرافت نسل ۶۰ و ۶۷ را حفظ کنم. با چنین شرافتی می توانم صدای شما باشم و لاغیر. می دانم که شرایط و حرف دلم را می فهمید...، اگر یک ریال هم بگیرم، در درونم در هم می شکنم، و قدرتی برای سخن گفتن نخواهم داشت. چراکه درونم می بایست هزاران بار قوی تر از صدایم باشد. من و ما ناگزیر هستیم در هر لحظه انتخاب کنیم، و لحظه ای که انتخاب دیگری داشته باشم. شما دیگر صدای سیامک را نخواهید شنید، من هم فاسد شده ام، کما اینکه رجوی فاسد شد. به من حق بدهید که در سختی و تنگنا باشم، اما پاک بمانم. نمی توانم غیر از این باشم. در این مسیری دانم که شما درونم را خواهید فهمید. و این حق را به من خواهید داد.

۳- همچنانکه نزدیک به ۱۰ تن از دوستانم جدا شدگان از سازمان گفته ام. هر وقت تمایل داشتند می توانند در برنامه تلویزیونی شرکت کنند و من خود، نوبت برنامه های خودم را به آنها می دهم تا بیابند و حقایق را برای مردم و افکار عمومی بازگو کنند. این نه صدقه، بل اولین کاری است که می بایست انجام دهم، و هدف نیز چنین است. اگر غیر از این انجام دهم، باید به محتوا و ماهیت خود شک کنم، و مهمتر اینکه جای شکی هم نیست، اگر چنین نکنم من هم نبال تریبون هستم و لاغیر، زیرا هدف داشتن تریبون است! می دانم دوستانی که به صحنه بیابند و بجای من در برنامه صحبت کنند، قطع یقین بهتر و قوی تر از من صحبت خواهند کرد، و ضریب می خورد، زیرا رسا و صدای همان حقیقت هستند. و من همیشه دوستان را چنین ترغیب می کنم تا فضای هراس و ارباب رجوی ساخته را در هم بشکنم. می دانم می فهمم که برای منافع مردم، چنین کاری مهم است. حتی اگر خودم هم برنامه نداشته باشم تلاش میکنم برای آنها برنامه بگیرم. زیرا اعتبار و اعتماد را به بهترین شکل آن و دست در سخنان فوق چنین گفت: «و تو صدای ما هستی...» منم بای سکویی برای صدایی دوستان دیگر باشم.

۴- من نمی توانم، هنگامی که یک هفته پیش از عید نوروز ۹۷، از مردم درخواست همیاری و کمک مالی به تلویزیون میهن تی وی داشته باشم، اما خودم کمک مالی نکنم. این دوگانگی فاسد کننده است. همانگونه که آخوندهای بالای می گویند و عمل نمی کنند و منبر فاسد شدند. به همین خاطر با کمال افتخار و نیاز درونی، به یکی از دوستان گفتم ۲۰۰ دلار از طرف من پرداخت کند، و من از حقوق ماههای آینده پرداخت می کنم. و از تلویزیون میهن تی وی هم تشکر کردم که پذیرفت. مهم امکانات مالی نیست، اعتبار و اعتماد مردم است که راه را بازمی کند. سرمایه من قلب مردم و دوستانم هستند، نه امکانات و منابع مالی آنها.

۵- من ناچار شدم ارتباطم را با خانواده ام قطع کنم. زیرا در این مسیر هیچ مانع و رادعی را برای رساندن صدا و بیان حقیقت نمی پذیرم. و به همین دلیل تنها متکی به حقوق پناهندگی خود شدم، و تاکنون هم از خانواده ام بر غم اصرار پولی نگرفته ام. در این مسیر برای اینکه با دست کاملاً باز

حرکت کنم، نمی توانم و نباید مشروط به کسی یا چیزی باشم. من ایمان دارم که رجوی با همه منابع مالی و نیروها و شخصیت های سیاسی بخدمت گرفته و بقول خودش ناوگانی ازو کلا نمی تواند در مقابل حقیقت، با اتکاء به اسناد و مدارک و شاهدین... بآیستد.

خارج از آن من در روز دوم ورود به آلمان، بزرگترین ضربه ایی که بلورم نمی شد را خوردم، و ۴۰ درصد توان و پشتیبانی و امکاناتم را برای روشنگری از دست دادم. اما این قیمتی است که باید داد. در شرایطی قرار گرفته ام که بطور مستمر در پشت صحنه ضربه می خورم. نمی توانم به هیچ کسی اجازه دهم تا سربز نگاه، برای تأمین خواسته های خودش، پا بر گلی من بگذارد، بدون اینکه وضعیت من و عواقب منفی آنچه بر سر راه پریچ و خم این مسیر و آلودگی هایی که چه از طریق سازمان مجاهدین و یامنافاع شخصی افراد دیگر وجود دارد را در نظر داشته باشد.

۶- هدف، داشتن برنامه تلویزیونی نیست. هدف روشنگری و ارائه حقایق و چشم انداز پیش روی مردم است. برنامه تلویزیونی و تریبون داشتن، نه هدف، بلکه وسیله و رسانه صدای حقیقت و آذیست، و لا غیر! به همین دلیل در تلویزیون میهن تی وی هم گفتم: «حتی یک هفته پیش از برخوردار شدن از امکان مصاحبه با تلویزیون میهن تی وی، تصمیم داشتم با یک دوربین که بهمراه دارم، مصاحبه ها را ضبط و در یوتیوب بگذارم. بنابراین هیچگاه روشنگری و بیان حقیقت، مشروط و منوط به داشتن برنامه تلویزیونی نبوده و نیست.

همچنانکه پیش از این گفته بودم: «جانم را در گرو حقیقت مانا گذاشته ام.» من با این امید و آرزو به میدان آمده ام و برای همین زنده ام. هیچ چیز و هیچ کسی نمی تواند، مانعی در برابر بیان حقیقت باشد. اضافه کرده بودم که: «این نه پایان، بل آغاز است...»

۷- دیشب هم کامنتی از دوست گرامی آقای برازجانی داشتم، در نوع خود جدید بود دلیل اینکه عطف به رجوی است:

۸ تن دیگر برازجانی اصل» Friends with Mmarz Namin and

آقای نادری در شروع خوب آمدی ولی اینجوری به نظر میرسد که نمیخواهی و یا نمیتوانی به افشاگریها و پاسخ به چه باید کردی که قول دادی ادامه بدهی. خلیها به تو امید بسته بودند چون دیگران به گذشته آویزان شدند ولی نگاه تو آموختن از گذشته بود نه آویختن به گذشته، اما یک دفعه قطع شد و حتی مصاحبه های آموزنده با تلویزیون میهن حذف کردی و یا شاید فرقه رجوی و یا عوامل آنها تو را مجبور کردند که فتنه را پایین بکشی. امیدوارم حدس من غلط باشد و ریشه آن در کسالت زود گذر باشد»

از صراحت و صداقت ایشان بسیار متشکرم. اما باید بگویم: «اگر به مصاحبه ها و گزارش و روشنگری های که تاکنون آمده است توجه شود؛ با صراحت تمام به رهبری مجاهدین، مسعود رجوی و مریم رجوی گفته ام: «بفرمایید دادگاه!؛ در هر محکمه، مجامع و ارگانهای بین المللی و حقوق بشری، و در صحنه سیاسی و عصاره تباطات و اینترنت و افکار عمومی و پیش چشم مردمان، بیروزمیدان، چیزی نیست جز حقیقت. تأکید کردم تمام اسناد و مدارک، فیلم و نوار های صوتی و ایمیل ها و شاهدین زندان و شکنجه، قاچاق انسان را در دادگاه ارائه خواهم داد. اگر چه دآوری نهایی، همانا مردم و افکار عمومی هستند که هرگز تن به رهبری فقهاتی و عقیدتی نداده و نمی دهند.

بنابراین رجوی و سازمان مجاهدین نه تنها نمی توانند، هیچگونه سد و مانعی در برابر روشنگری ایجاد کنند، بلکه بعکس، هر زمان که ناگزیر از افضاحات جنایت و فسادشان به صحنه بیایند، بیش از پیش وقوی تر از آن، به روشنگری خواهم پرداخت. هر احتمالی که دوستان درباره پشت صحنه در ارتباط من می دهند، ممکن است درست باشد، اما احتمال دخالت رجوی، و هراس و اهمه از زوج عقیدتی، نه، هرگز! بلکه بعکس، آنکس که می ترسد، کسی جز رجوی و بیبت و باند تبهکار او نبوده و نیستند.

همچنانکه مریم رجوی، چند روز پیش فحاش ترین فرد بیبت و باند تبهکار خودش را، بنا به طینت شریر و سیستم دفاعی رجوی و پراکندن بود بد و آزار دهنده، همچون سیستم حفاظتی راسو، محمد اقبال رادریک برنامه تلویزیونی به صحنه آورد. و بهانه ایی گشت تا اسناد و مدارک جدیدی را بر روی سایت حقیقت مانا و یوتیوب بگذارم. همانطور که بار گذشته ناپر هیزی کرد و به جمع آوری امضا از جادشدگان بر علیه من پرداخت. و خواهرم دکتر سعیده نادری از کانادا، نوار ویدئویی اظهارات کوروش شریف زاده را، بر روی یوتیوب گذاشت. و جمع آوری امضا های سری دوم به گل نشست. این قیمتی است که برای حقیقت و روشنگری جنایت و فساد رجوی و رابطه صادقانه با مردم باید پرداخت. تنها به این دلیل که یک خمینی دیگر (رجوی) نتواند، ما را از چاه به سیاهچاله دیگری از رهبری عقیدتی بکشاند. از نظر من، مستقل از اینکه خواهر من است!، کار او را تحسین می کنم. اگر چه برای او بار منفی اجتماعی داشت و دارد. اما فرا و و رای منافع خودمان، می بایست قیمت ایستادن در برابر رهبری منحنط و اپوتونیست را داد و چشم ها را به حقیقت روشن ساخت. همین اصالت دادن به حقیقت و آزادی بود که اقدام او را مشروع و مقبول می سازد.

۸- همچنانکه آقای برازجانی گفتند، هدف پرداختن به گذشته نیست، زیرا هرابهام و تردیدی در این مسیر پیش رو رفع خواهد شد. هدف پیش رو اینست که یک جنین و جوانه تازه ایی می خواهیم. به همین دلیل از میان مصاحبه ها و روشنگری هایی که تاکنون وجود داشته است من انگشت می گذارم روی دو مصاحبه ایی که درباره امریکا و ترامپ و جان بولتن و جولیان و مک کین و... رضا پهلوی داشتم. این ویدئوها، دوباره بر روی یوتیوب گذاشته شده و به همین دلیل تنها تعداد بازدید کنندگان قبلی آن تغییر کرده است.

کما اینک پیش از آن در سه گزارش جدا گانه نیز به این موضوع پرداختم:

۱- مذاکرات رجوی با ژنرال پترائوس و ارائه طرح سرنگونی رژیم

۲- برگزاری رژه نمایشی مجاهدین پس از ارائه طرح عملیات سرنگونی

۳- پدیده استخدام مزدور بعنوان رزمنده ارتش آزادیبخش «ملی»؟

مجموعه این دو مصاحبه و سه گزارش حاوی اطلاعاتی است که چشم انداز پیش روی مارا، برای هرزد و بند و آلترناتیوسازی از بالا (امریکا) بدون دخالت پایین (مردم) روشن و واضح می سازد. به طبع نمی توان منهای دارا بودن اطلاعات مکفی و داده هایی از این دست، و آنچه در پشت پرده وزدیندها می گذرد، به بحث، بررسی و تحلیل شرایط و چشم انداز پیش رو پرداخت.

من آمده ام که بگویم:

الف) دشمن اصل همانا رژیم ولایت فقیه حاکم بر میهن، و اپورتونیسیم و نیروی منحنط درون مقاومت رجوی و سازمان مجاهدین است.

اصالت هر نیرویی به جنگ و مقاومت در مقابل رژیم آخوندی نیست. اصالت بر خاسته از مشروعیت مردمی و حفظ اصول و ارزشهای دموکراتیک و الای انسانی در امر مبارزه است. نیرو و جریانی که درون تشکیلات، اعضای خود را زندانی، شکنجه، و به قتل می رساند. با قاچاق انسان ارتزاق می کند. نیرویی که با زنان مجاهد رقص رهایی ... می کند، و بطور سیستماتیک با جراحی رحم زنان مجاهد، آنان را بی آینده و وابسته و پابسته به حریم رهبری عقیدتی خود می سازد، با هرسس ایدئولوژیکی و نامگذاری زالوصفانه نوامیس ایدئولوژیکی رهبری!، و مخوف ترین توتالیتریسیم بی سابقه را در تشکیلات بازگشت ناپذیر اشرف ۳ در آلبانی را برقراری می سازد. نمی تواند، در صفوف مردم و مقاومت باشد. اگر چنین است، پس رژیم آخوندی هم در برابر داعش مقاومت می کند. و داعش نیز چونین. صرف چنین مقاومتی، نه نام و صفت مقاومت را بخود می گیرد و نه مشروعیت و اصالتی.

بنابر این چنین نیرو و جریانی منحنطی را می بایست افشا و طرد کرد. ما از مرحله انتقاد به مرحله افشا و طرد رسیده ایم. این را رجوی به مقاومت و مردم تحمیل کرد.

ب) هر کسی می گوید می پرسد! چرا رجوی و مجاهدین به ما می گویند مزدور وزارت اطلاعات و کار دتیز کن رژیم؟ و غیره! تصریح می کنم که این به معنای شک و ابهام خودتان نسبت به رجوی است! گویا بدلیل گذشته، اینک نیز مشروعیت دارند و در جبهه مردم و مقاومت قرار دارند. آیا با این اسناد و مدارک زندان شکنجه قتل، سربه نیست کردن، قاچاق انسان، جراح و خارج کردن رحم زنان مشروعیتی مقبولیتی دارد؟ چنین اعمال منهای خیانت و اپورتونیسیم، شایان کیفر خواست جنایی و محاکمه در دادگاهها و مجامع بین المللی است.

چنین پرسش و ابهامی، به معنی مشروعیت دادن به رجوی و سیستم دفاعی متکی بر اعراب و هراس و لجن پراکنی است. رجوی بصراحت گفته است، هر کسی بر علیه ما حرف بزند: « رژیم مالی اش می کنیم». در قبال رجوی می گویم: « نفس لجن مال کردن کار کثیف و نامشروعی است. پیش از این نیز در تشکیلات گفته بودم امام حسین هم چنین کاری بکند، امام حسین هم کثیف و نامشروع است، چون نفس اینکار کثیف و نامشروع است»

در قبال چنین تهمت و لجن پراکنی، همانطور که رژیم خمینی و خامنه ایی شما را متهم می سازد، باید رجوی را نیز در همین چهارچوب رژیم پلید آخوندی بشمار بیاورید. رجوی چه چیزی از خمینی و خامنه ایی کم دارد، که از لجن پراکنی او باید دچار ابهام و سوال شد؟ از کوزه همان تراود که دراوست. این تنها وسیله ممکن از نظر رهبری باهوش مجاهدین است برای باز نشدن سرکلاف جنایت و فساد. و الا کسی که حساب پاک است، از محاسبه چه باک است!؟

بنظر من ابهام در نوع برداشت های دوستان است. نمی توان این حجم از جنایت و فساد را شنید و دید و باز هم در مرحله « گذار از رجوی» درجا زد! هرگونه درجا زدن به ادامه این جنایت و فساد و نکبت و تباهی می انجامد.

ج) هیچوقت نخواهید که رجوی و همسلکانش را نصیحت کنید. او چیزی برای از دست دادن ندارد، و به همین دلیل بی حیا و وقیح شده است. نصیحت او، معنای افشای همان مسائلی است که در پشت پرده قرار دارد و به همین دلیل او را چنین وقیح ساخته است. به همین دلیل هرگز از جلو به یک گاو و از پشت به یک الاغ از کنار و پهلوی یک سگ وحشی، و از هیچ سمتی به رهبری عقیدتی نزدیک نشو، تا نصیحت شان کنی.

د) من نیامده ام که بگویم: « چرا سازمانی که دم از مبارزه با امپریالیسم میزد، اینک از همان امپریالیسیم و امریکا می خواهد: «ر هبران، رهبران، مارا مسلح کنید». اگر چه پشت پرده این مسائل را نیز در سه گزارش نام برده شده در فوق بیان کردم. اما حرف و سوال اصلی این است که چه فاکتور هایی باعث شد تا همان امریکا و جمهوری خواهانی که قرارگاه اشرف را در سال ۱۳۸۲ بمباران و ارتش آزادیبخش را خلع سلاح کردند، همان امریکا و همان جمهوری خواهان و نئوکالهای پرنفوذ در وزارت دفاع و ارتش امریکا و فاکس نیوز و...، طرح عملیات سرنگونی رژیم آخوندی توسط رجوی رجوی را، نزد دولت امریکا و اوایاما می برند؟

چه مؤلفه هایی باعث گشت تا ارتش و فرماندهان نظامی امریکا و نئوکانه تغییر نظر داده و دگر دیس شوند؟ رجوی دگر دیس شده یا امریکا و مقامات نظامی آن؟ چه تبادلاتی بین طرفین صورت گرفت و کارا نه به دوستی مشترک بلکه اتحاد عمل مشترک کشاند؟ حقیقت آنکه آنچنان دگر دیسی اقتضای در رهبری مجاهدین دیدند که، قاطع هستند که رجوی به هر شرایطی تن خواهد داد. زیرا پیش از آن، همه اصول و ارزشهایی که در تبلیغات افکار عمومی بدان پای می کوبید، در عمل و در عراق و اشرف همه را بکناری و انهداده و آنچه ارزش دارد دستیابی به قدرت با هر وسیله ممکن است. حجم این دگر دیسی در مجاهدین و ارائه خدمات به امریکایی ها در عراق و اشرف، جای تردیدی برای امریکایی ها باقی نگذاشت.

ه) من نمی توانم در یک برنامه تلویزیونی بطور محدود و مشروط، تنها و تنها از فساد و جنایت درون تشکیلات سخن بگویم، بدون اینکه بخواهم و بتوانم به تهدیدات و خطرات و حقایق پیش رو با اطلاعات و داده های آن بپردازم. هدف داشتن تریبون نیست. من نیز چنین کنم، تنها بر آلام و رنجها و زخمهای بی پایان مردم افزوده ام. من به داشتن تریبون بحث سیاسی ویا صرف پرداختن با این مسائل وارد صحنه نشدم. این نه در شان من است و نه در شان مردم و دوستان عزیز. مسائل فراتر از من و ما است.

من نیامده ام تنها دشمنان و خائنان را در مقابل مردم ردیف کنم. یا برپاشنه کین و جراحی و حذف دیگران بگویم. بلکه بعکس... و همچنان که در اولین گام دوستان فیسبوکی سلطنت طلب و طرفدار رضایپهلوی نیز هستند. می گویم: «ایران زمین با رنگین کمان آحاد مردمش زیباست. سلطنت طلبها بخشی از مردم هستند و می توانند رهبری خودشان را داشته باشند. همچنانکه تنی چند از همسایه های ما در تهران سلطنت طلب بودند و رابطه بسیار خوبی باهم داشتیم. زخمهای عفونی ایجاد شده بدست اندیشه های مطلق گرا را باید درمان کرد. از نظر من سلطنت جواب این میهن نیست، اما به عقاید و خاستگاه آنها احترام می گذارم و نباید بر طبل دشمنی کوبید. برای رهای از چنگال آخوندهای حاکم بر میهن، نه کین، نا گزیر عشقی است که اصلت را به مردم و آزادی و جامعه ای سکولار می دهد و لاغیر.

و) در برآیند این روشنگری ها و اقدامات متقابل دفاعی رجوی، باید به بحران و وضعیت تشکیلات رجوی در اشرف ۳ هم بپردازم. فقط بطور کوتاه اشارتی کنم که، بدلیل همین روشنگری ها و آنچه که خانم فرشته هدایتی بر اوستی شجاعانه و در خور تحسین، در مصاحبه با همنشین بهار گفتند و از جمله جراحی رحم زنان مجاهد...، اینک مریم رجوی در اشرف ۳ در حصار و عضویت باگشت ناپذیر؟ (از پدیده های دگر دیسی «سازمان») دستور صادر کرده است که هیچیک از اعضای سازمان حق خارج شدن از قرارگاه اشرف ۳ را ندارند. و اگر مورد استثنایی باشد، باید فرد مزبور به همراه فرمانده یگان ویا فرماندهین بالای سازمان، در مسیر مشخص و تعیین شده، برای انجام کار به شهر بروند و برگردند. همچنین تماس و ارتباط اعضا بین قسمت های مختلف قرارگاه اشرف ۳ محدود و ممنوع شده است. مریم رجوی می ترسد اعضای سازمان آزادانه به شهر بیایند، ویا در اشرف ۳ امکان تماس داشته باشند وینوعی آنچه که روشنگری صورت گرفته است، چه توسط خانم فرشته هدایتی وچه توسط من، و بطور اخص رقص رهایی و جراحی رحم زنان و زندان و شکنجه...، در دسترس آنها قرار بگیرد و این اخبار در تشکیلات درز کند. به همین دلیل تمام تلفن هایی که بعضی ها مخفیانه به همراه داشتند، بفرمان مریم رجوی در صدد جمع آوری تلفن ها شدند و کار به بحث و مشاجره و درگیری هم کشیده شده است.

به همین دلیل مریم رجوی در صحنه سیاسی، هیچ راه گریزی از آوار فساد و جنایت و تبهکاری های تشکیلاتی نداشته و ندارد؛ مگر آویختن به دام امریکا و دوستان و برادران جدید نئوکان. و در این راستا اطلاع رسانی و روشنگری، خارج از منافع فردی، معنا و مفهوم خود را می یابد.

دوستان عزیز

تیغه شمشیرهای بی نیام خفته در گلو

برپا...!

در طی این چند سال همیشه شاهد و ناظر بودیم که گفته می شود: «جدا شدگان از سازمان در صحنه حاضر نمی شوند تا عمکرد سازمان رجوی را به نقد بکشند و از جنایت و فساد... پرده برداری کنند؟».

اینک من سوال را معکوس می کنم. آیا با روشنگری ها در حجم گسترده ایی از جنایت و فساد و ارائه اسناد و مدارک و فیلم و شاهدین زندان و شکنجه و قتل، و ارائه لیست های زندانیان، خودکشی ها، قاچاق انسان و...، و سپس آنچه را که خانم فرشته هدایتی بر تمام این گفته ها صحه گذاشت و خود نیز مواردی را ذکر کرد و از جراحی رحم زنان بصورت سیستماتیک سخن گفت، آیا کسی یافت شد از چنین جنایتی که در حق زنان تحت سلطه رجوی روا شده است، لب به سخن بگشاید؟!.

بطور روزانه سلسله ایی از مقالات و مصاحبه ها و گفتار و... در تمامی زمینه ها را در سایت ها و رسانه های ایرانی شاهد هستیم، اما یک تن هم یافت نشد به دفاع از این زنان و حریم و حرمت آزادی و نقض و حشیانه حقوق بشر بصورت سیستماتیک زبان به پرسش از رجوی بگشاید که:

به کدامین اصول و ارزشهای مبارزاتی و انسانی، رهبری عقیدتی مجاهدین زیر رسم های ستوران بهیمی جهل و جنایت و خیانت، چنین بر هست و نیست این مقاومت و مردم و اعضا و واژه های مقدس آزادی و حرمت انسانی را لگدمال می کند.

چنانکه ناصر خسرو در این شعر گفت:

چون نیک نگه کرد و پر خویش بر او دید
گفتا ز که نالیم که از ماست که بر ماست

دوستان عزیز، ایرانیان آزاده

من در شعرها خطاب به رجوی گفته و نوشته بودم:

هان! - ای تیغه های مست و مسلح و مسخ!

اندوه من!

نه بال و تنم!

در جان کندن بیهوده تیغه بی جان "قَدّاره تان".

دوستان عزیز و ایرانیان آزاده

بر ستیغ جسارت

" کلمه "

شهامت جرس و صداست

کلمات

همیشه شجاعت اینرا دارند

طنین هر حنجره ای باشند

کلمات آخته اند

تو نترس!

تو شمشیر بکش!

کلمات شجاع اند

طنین شان باش

بی پروا و استوار

و از ارتعاش طنین شان

از صفات پاک و شجاع خدا وارشان

شمشیرت را تیز کن

نعره از حلقوم برآر

با شجاع ترین و یراترین کلمات صف کشیده برابر دشمن

بی پروا - عاشق باش و بتاز

دوستان عزیز- عاشقان آزادی، نه از روی خشم، بلکه عشق، فریاد می زنم:

برپا!

تیغه شمشیرهای بی نیام خفته در گلو

برپا...!

